

## ● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

### چالش‌های فراروی دموکراسی در کویت<sup>۱</sup>

دموکراسی آرام در جهان عرب را مورد بررسی قرار دهد.

#### پیشینه تاریخی

کوبتی‌های پیشین که بیش از دو قرن گذشته در این منطقه سکونت داشتند، صباح اول -بنیانگذار خاندان حاکم فعلی- را به عنوان فرمانروای خود برگزیدند. آنها پذیرفتند که او امور روزانه را اداره کند و در مقابل از وی حمایت مالی نمایند و شرط ایشان مشورت حاکم با آنها در تصمیمات مهم بود. این فرمول سیاسی سبب ایجاد استقلال کامل بین رییس و مرئوس شد و به حق می‌توان آن را به عنوان "حکمرانی مشترک" توصیف نمود.

در سوم ماه مه ۱۹۹۹ امیر کویت مجلس ملی (پارلمان) را منحل نمود. این سومین مورد انحلال در تجربه ۳۸ ساله پارلمانی کویت بود. انتخابات جدید در سوم ژوئیه برگزار گردید که در آن ۲۸۸ نامزد برای ۵۰ کرسی پارلمان به رقابت پرداختند. مبارزات انتخاباتی کوتاه ولی داغ بود و در آن، نامزدها دولت را به تبانی، دخالت در انتخابات و عدم کفایت متهم کردند. انحلال‌های پی‌درپی پارلمان (۱۹۷۶، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۹) باعث طرح سؤالاتی در مورد دموکراسی در کویت شده است: چرا در کویت دموکراسی وجود دارد؟ آیا این موضوع واقعاً منعکس‌کننده موازنه قدرت در داخل جامعه کویت است؟ چه چالش‌های عمده‌ای فراروی دموکراسی در کویت وجود داشته، حیات واقعی آن را مورد تهدید قرار می‌دهد؟ این مقاله تلاش می‌کند تا ضمن پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور، نقاط قوت و ضعف یک

۱. این مقاله نوشته دکتر غانم النجار (Ghanim Alnajjar)، استاد علوم سیاسی و رییس مرکز مطالعات استراتژیک و آینده دانشگاه کویت می‌باشد. (*Middle East Journal*, Volume 54, No.2, Spring 2000)

جیل کریستال این وضعیت را چنین توضیح می‌دهد: «... حکومت آل صباح اگر چه به خوبی تثبیت گردید، تا قرن بیستم در حالتی محدود باقی ماند. این بدان علت بود که تجار - با توجه به قدرت اقتصادی خود - تا آن زمان می‌توانستند طرح‌های صباح را مورد بازبینی قرار دهند. تا پایان زمامداری مبارک (۱۹۱۵) کویت دارای ساختاری اقتصادی و اجتماعی ناشی از بازتاب یک قرن صید مروارید و تجارت بود. ساختار سیاسی آن شامل یک شیخ حاکم بود که برتری قطعی داشت. البته این برتری حاصل کار نخبگان تجاری بود که به اقتصاد صید مروارید و تجارت وابسته بودند.»<sup>۱</sup>

با وجود این که عوامل خارجی به طور طبیعی نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، تحولات داخلی به عنوان یک شالوده سیاسی عمل کرده‌اند که از این طریق روند سیاسی هدایت و تنظیم شده است. مسأله مذکور در این چارچوب قرار می‌گیرد که کویت مجلس شورای خود را در سال ۱۹۲۱ و یک شورایی قانونگذاری انتخابی را در سال ۱۹۳۸ ایجاد نمود.

از اوایل دهه ۱۹۵۰ درآمدهای نفتی شروع به تأثیرگذاری در ساختار اجتماعی - اقتصادی کویت و به تبع آن موازنه سیاسی

قدرت کرد. طی دهه مذکور ابتکاراتی برای برگزاری انتخابات از طرف حاکم، خانواده‌های تجاری و گروه‌های سیاسی نوظهور شامل کویتهای تحصیل کرده جوان تر صورت گرفت که البته موفقیت آمیز نبود. در هر حال مجموع این اقدامات به همراه مطبوعات پرجنب و جوش، انبساط سنتی جامعه کویت و همچنین تحولات سیاسی عمده در قسمت‌های مختلف جهان عرب (از جمله استقلال اکثر کشورها و رقابت ابرقدرت‌ها برای برتری منطقه‌یی) تلاش‌هایی را برای اصلاحات دموکراتیک برانگیخت. این موضوع با استقلال کویت در ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ به اوج خود رسید. روند مذکور با ادعای عراق در مورد حاکمیت بر کویت - که منجر به بحران ۱۹۶۱ کویت شد - سرعت بیشتری یافت و زمانی به اوج رسید که کویت تصمیم گرفت تبدیل به یک رژیم سلطنتی مشروطه شود. کشور تازه استقلال یافته دارای یک قوه مقننه انتخابی، یک قانون اساسی و تفکیک کامل قوا گردید. در اوایل سال ۱۹۶۲ یک مجلس مؤسسان برگزیده شد که از امیر "عبدالله السالم الصباح" (۱۹۶۵-۱۹۵۰) که در

1. Jill Crystal, *Oil and Politics in the Gulf: Rulers and Merchants in Kuwait and Qatar* (Cambridge: Cambridge University Press, 1990), pp.21,25,33.

بدون وجود پارلمان بود تا این‌که دولت محدودیت سنی انتخابات را تغییر و تعداد رأی‌دهندگان را افزایش داد و انتخاباتی جدید در سال ۱۹۸۱ برای تشکیل پارلمان پنجم برگزار کرد. این پارلمان نیز دوره چهار ساله خود را تکمیل نمود و حال آنکه ششمین مورد - منتخب ۱۹۸۵ - در سال ۱۹۸۶ منحل گردید. سپس تا بعد از اشغال کویت توسط عراق در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ کشور فاقد پارلمان بود. پس از آزادسازی کویت، یک انتخابات جدید برای هفتمین پارلمان در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۲ بر پا شد. این پارلمان دوره خود را به پایان رسانید. اما همچون الگوی فوق، هشتمین پارلمان در تاریخ ۳ مه ۱۹۹۹ - این بار مطابق قانون اساسی - منحل گردید. این نوسانات بیشتر شبیه یک فرمول ریاضی به نظر می‌رسد تا یک روند سیاسی.

#### انتخابات ژوئیه ۱۹۹۹

انتخابات سوم ژوئیه ۱۹۹۹، نهمین انتخابات پارلمانی از زمان استقلال بوده است. برنامه زمانی انتخابات باعث شگفتی شد، چرا که در میان بحران سیاسی واقع گردید و برای نامزدها در مورد آمادگی جهت مبارزاتشان فقط ۶۰ روز در نظر گرفته شد. نتیجه، یک مبارزه

کویت بسیار مورد احترام بوده و پدر قانون اساسی شناخته می‌شود - حمایت کامل به عمل آورد. بنابراین اولین انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۶۳ برگزار گردید.

پارلمان جدید در سال ۱۹۶۴ با اولین بحران خود روبه‌رو شد، چراکه در آن سال سبب ناکامی دولت تازه تشکیل یافته گردید؛ امیر از انجام خواسته برادرش - و نخست‌وزیر - در مورد انحلال پارلمان سرباز زد. اما امیر عبدالله - که به شدت از قانون اساسی و پارلمان حمایت کرده بود - در نوامبر سال ۱۹۶۵ درگذشت. او آن عده از اعضای خاندان حاکم را که مخالف دموکراسی پارلمانی بودند، تحت نظارت خود داشت و درگذشت وی این نظارت‌ها را از بین برد. انحلال شورای منتخب شهر در ماه مه ۱۹۶۶ و تقلب در انتخابات پارلمانی ۲۵ ژانویه ۱۹۶۷، دو نشانه موضوع فوق بود. رفتار دولت به بخشی از یک چرخه قابل پیش‌بینی تبدیل شد: مداخله دولت در هر پارلمانی به هر طریقی.

پارلمان منتخب ۱۹۶۳ دوره خود را به اتمام رساند، در حالی که پارلمان بعدی در سال ۱۹۶۷ از طریق تقلب انتخاباتی تشکیل گردید. دوره پارلمان سوم (۱۹۷۱) تکمیل گردید، اما مورد چهارم به طور غیرقانونی در دومین سال تشکیل (۱۹۷۶) منحل شد. نظام تا چهار سال

انتخابات مقدماتی به عنوان امری ضد دموکراتیک اعتراض نمودند. تمایل عمومی جهت عدم استمرار انتخابات مقدماتی قبیله‌یی منجر به تصویب قانون منع انتخابات مقدماتی به طور کلی و انتخابات مقدماتی قبیله‌یی به طور خاص توسط پارلمان ۱۹۹۶ گردید. این مسأله تبدیل به موضوع مهم دیگری در رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۹۹۹ شد.

در عین حال که احزاب سیاسی در کویت قانونی نیستند، احزاب سیاسی غیررسمی نامزدهایی را برای انتخابات معرفی می‌کنند. در سال ۱۹۹۹ شش گروه سیاسی با نامزدهایی با درجات مختلف مسؤولیت رسمی، وجود داشتند. دو مورد از مشخص‌ترین آنها عبارت بودند از: نهضت اسلامی قانون اساسی<sup>۱</sup> - نام محلی اخوان المسلمین - و تریبون دموکراتیک کویت،<sup>۲</sup> اتحادی از آزادی‌خواهان، ناسیونالیست‌های عرب، چپی‌ها و مستقل‌ها. ICM رسماً چهار نامزد را معرفی و به طور غیررسمی از ۱۳ نامزد حمایت کرد. KDF دو نامزد معرفی و از یک نامزد حمایت غیررسمی نمود. چهار گروه‌بندی دیگر عبارت بودند از: بلوک مردمی اسلامی<sup>۳</sup> - یک گروه اسلام‌گرای

بسیار سخت بود که در آن حملات شدیدی متوجه دولت گردید. دو هفته پس از انحلال پارلمان هشتم، امیر با اعلام تمایلش مبنی بر اعطای حقوق سیاسی کامل به زنان شگفتی دیگری آفرید. گروه‌های اسلامی با این تصمیم مخالفت نموده و آن را به عنوان ضد اسلام و قانون اساسی تقبیح کردند که با عکس‌العمل نسبتاً شدید دولت مواجه شدند. حامیان این موضوع تظاهراتی عمومی به همراه بیش از ۳۰ سازمان غیردولتی برپا کردند. در نتیجه، حقوق سیاسی زنان تبدیل به یک مسأله مهم در مبارزات گردید.

دولت همچنین اقدامی علیه انتخابات قبیله‌یی مقدماتی به عمل آورد. سیاست‌های قبیله‌یی در حدود نیمی از ۲۵ حوزه انتخاباتی دارای نفوذ می‌باشد. تعداد انتخابات مقدماتی از تنها دو مورد در سال ۱۹۷۵ به ۱۵ مورد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. اغلب نامزدهای قبیله‌یی که در انتخابات اولیه پیروز شده‌اند، پس از آن در انتخابات عمومی نیز به راحتی پیروز گردیده‌اند. با وجود این که نامزدهای قبیله‌یی به طور کلی به دولت وفادار بوده‌اند، با تغییر شرایط برخی از این نامزدها به صورت مستعد دولت درآمدند و این در حالی بود که بسیاری از مردم قبیله به دلیل رقابت ناعادلانه در داخل قبیله به

- 
1. Islamic Constitutional movement (ICM)
  2. Kuwaiti Democratic Forum (KDF)
  3. Islamic Popular Bloc (IPB)

سال ۱۹۹۶ شکست خورده بودند. بسیار احتمال می‌رود که دولت با چالش‌هایی در ارتباط با چنین پارلمانی رویه‌رو گردد. با این تصور که دولت بحران سیاسی منجر به انحلال پارلمان را ایجاد کرد و از این طریق امیدوار بود بتواند تعداد طرفداران خود را در زمینه قانونگذاری افزایش دهد، بنابراین محاسبات دولت پاسخ معکوس دریافت کرد.

### چالش‌های ساختاری در مقابل چالش‌های

#### سیاسی

این بررسی تاریخی، اشاره دارد که دموکراسی در کویت در یک بحران جدی قرار دارد. در طی ۳۸ سال از اولین انتخابات پارلمانی، پارلمان به عبارتی برای ۱۴ سال غایب بوده است. این موضوع از طریق تعدادی چالش‌ها که در داخل نظام سیاسی و یا خارج از آن روی داده، اثبات گردیده است. چالش‌های مذکور در واقع علت عمده آنچه به عنوان "دموکراسی لرزان" در نظر گرفته می‌شود، می‌باشد. ماهیت لرزان دموکراسی کویت سؤالاتی را مطرح می‌کند: با وجود منابع اصلی

سلفی؛ نهضت سلفی؛<sup>۱</sup> یک گروه انشعابی از IPB؛ اتحاد اسلامی ملی<sup>۲</sup> یک گروه اسلام‌گرای شیعی؛ و بلوک دموکراتیک ملی<sup>۳</sup> - یک گروه آزادی‌خواه که به طور وسیعی از اجتماعات دانشگاهی و تجاری نشأت گرفته است. هیچ یک از این گروه‌ها به طور رسمی از نامزدها حمایت نکردند که اغلب به خاطر دلایل تاکتیکی بود، اما آنها در مورد حمایت غیررسمی خود از نامزدها منحنی‌کاری نمودند. SM و IPB هر کدام از ده نامزد حمایت کردند، در حالی که NIA و NDB هر یک چهار نامزد را مورد پشتیبانی خود قرار دادند. تمام گروه‌ها کرسی‌هایی به شرح زیر به دست آوردند: JCM، شش کرسی؛ KDF، سه؛ IPB، دو؛ SM، یک؛ NIA، دو؛ و NDB، سه کرسی. بازنندگان اصلی، نامزدهای مورد حمایت دولت بودند، به این ترتیب که ۱۱ نامزد با سابقه، آنچه به عنوان کرسی‌های "محفوظ"<sup>۴</sup> در نظر گرفته بودند را از دست دادند.

نتایج انتخابات نشانه‌های روشنی از نارضایتی عمومی از دولت و پارلمان قبلی بود. فقط ۴۸ درصد از نمایندگان پیشین دوباره انتخاب شدند. دولت ۱۱ نفر از حامیان با ارزش خود در پارلمان قبلی را از دست داد و ۱۱ عضو جدید مجلس نامزدهایی بودند که در انتخابات

1. Salafi Movement (SM)

2. National Islamic Alliance (NIA)

3. National Democratic Bloc

4. "Safe", Secured Seats.

قدرت که در اختیار دولت است، چه نیروهای اجتماعی قادرند دولت را در مورد اعاده حیثیت نهادهای دموکراتیک تحت فشار بگذارند؟ سؤال این نیست که چرا دموکراسی در کویت وجود ندارد (این موضوع در منطقه یک هنجار تلقی می‌شود) بلکه ترجیحاً سؤال این است که چرا کویت در واقع دارای یک تجربه دموکراتیک - اگر چه لرزان - است.

چه عاملی تأثیر شدیدتری بر تصمیم‌گیری در مقابل دموکراسی دارد: سیاست‌های داخلی و محلی یا عوامل خارجی؟ چالش‌های فراروی دموکراسی در کویت را می‌توان در دو مقوله تقسیم‌بندی کرد: چالش‌های ساختاری و چالش‌های سیاسی.

### چالش‌های ساختاری

چالش‌های ساختاری عواملی هستند که اثر بخشی دموکراسی کویت - که بخشی از ساختار قانونی نظام است - را به تأخیر می‌اندازند، یا از طریق یک ابزار قانونی (قانونگذاری یا حکم امیر) و یا قانون اساسی. این چالش‌ها مستلزم روابط با پارلمان و اصل تفکیک قوا می‌باشند. آنها عبارتند از:

۱. ماهیت غیر متعصب<sup>۱</sup> پارلمان: احزاب سیاسی در کویت قانونی نیستند، اما

احزاب غیررسمی مجاز می‌باشند. فقدان احزاب سیاسی قانونی سبب ایجاد وضعیتی می‌شود که در آن یک عدم توازن در گروه‌های پارلمانی - بین دولت از طرفی و اعضای منتخب مجلس از طرف دیگر - به وجود می‌آید (وزرای دولت با حفظ سمت مانند اعضای پارلمان انجام وظیفه می‌کنند). طبق دستورالعمل‌های داخلی پارلمان، فقط به دولت اجازه داده می‌شود که اظهارنظر کند و مظهر یک بلوک متحد باشد؛ این موضوع دولت را تنها حزب سیاسی غیررسمی مجاز به فعالیت در مجلس قلمداد می‌کند. در حالی که اعضای منتخب فقط به عنوان افراد می‌توانند صحبت کنند، وزرای دولت در میان اعضای منتخب مانند یک بدنه منسجم عمل می‌کنند. در نتیجه دولت دارای جایگاه قویتری برای نفوذ در رأی‌گیری راجع به مسائل کلیدی است.

علاوه بر وزرای دولت که با حفظ سمت نمایندگی می‌کنند، حدود ۵۰ درصد از اعضای منتخب نیز بدون حمایت دولت نمی‌توانند انتخاب شوند. این امر از آنها یک ذخیره حمایتی اجتناب‌ناپذیر برای برنامه‌های دولت می‌سازد. ظاهراً به نظر می‌رسد دولت قادر به کسب تمام آراء با حداقل مشکل است، اما اگر چنین فرضی درست بود دولت هرگز

1. The non-partisan nature

مورد تأیید پارلمان قرار نگیرد، نخست‌وزیر موضوع را به امیر ارجاع می‌دهد تا وی تصمیم بگیرد که پارلمان را منحل نموده و دعوت به رأی‌گیری جدید نماید و یا این که از نخست‌وزیر بخواهد به منظور جلوگیری از رویارویی با پارلمان دولتی جدید تشکیل دهد.

بر طبق قانون اساسی، دولت ناچار است دست کم یک عضو منتخب پارلمان را شامل شود. در مقابل، وزرای کابینه (۱۶ وزیر با احتساب نخست‌وزیر) اعضای بالقوه پارلمان تلقی می‌شوند. با وجود این که طبق مقررات دولت نباید بیش از یک سوم پارلمان را منصوب نماید، این موضوع در حد نظری است و در مورد رأی‌گیری رعایت نمی‌گردد. وزرا اعضای اصلی پارلمان تلقی می‌شوند و می‌توانند به جز در مورد رأی اعتماد، در تمام موارد دیگر رأی دهند. حضور این تعداد زیاد اعضای انتصابی در یک نهاد انتخابی، موجب تضعیف و تهدید فرایند دموکراتیک در کویت می‌گردد.

### چالش‌های سیاسی

چالش‌های سیاسی عبارتند از:

۱. عدم تعادل در موازنه قدرت: دولت کویت به عنوان نماینده کشور تمام منابع اقتصادی عمده کشور را در کنترل دارد. از سال

متوسل به انحلال پارلمان نمی‌شد. در واقع پارلمان مکرراً ثابت نموده که می‌تواند دولت را با چالش جدی روبه‌رو سازد.

۲. تنگ‌نظری در اساس انتخابات: در شانزدهم ماه مه ۱۹۹۹ امیر تمایل خود را برای اعطای حق رأی به زنان اعلام نمود. حتی با وجود مخالفت بعدی پارلمان با این فرمان، مسأله هنوز در صحنه سیاسی کشور زنده است. قانون انتخابات مانع رأی‌دادن زنان، بخشی از شهروندان تابعیت داده شده، تمام افراد زیر ۲۱ سال سن و اعضای سرویس‌های امنیتی (ارتش و پلیس) می‌شود. البته اعضای گارد ملی در این امر ممانعتی ندارند. چارچوب محدود انتخاباتی وضعیتی را ایجاد کرده که فقط ۱۴ درصد از مردم در فرایند انتخابات مشارکت دارند. این چارچوب محدود، پارلمان را در مورد ادعای نمایندگی قانونی مردم زیر سؤال می‌برد. چنانچه گام‌هایی همچون شمول زنان برداشته نشود، چارچوب محدود، هم چنان به عنوان یکی از چالش‌های عمده فراروی دموکراسی در کویت باقی خواهد ماند.

۳. فرایند تشکیل دولت: دولت کمتر از دو هفته پس از انتخابات تشکیل می‌شود. اعضای دولت توسط نخست‌وزیر منصوب و از طرف امیر و پارلمان تأیید می‌گردند. اگر دولت

۱۹۷۵، دولت ۱۰۰ درصد صنعت نفت - مهمترین منبع درآمد کویت - را در اختیار داشته است. در سال ۱۹۷۵ تحت فشار پارلمان، دولت صنعت نفت را که مرکب از چهار شرکت عمده بود، ملی اعلام نمود. از آن زمان، ذخایر عظیم نفتی تحت نفوذ مستقیم سیاسی و بوروکراتیک دولت و دستخوش سیاسی‌کاری است. در نتیجه، بر قدرت دولت تا حدی افزوده شد که هیچ بازیگر اجتماعی - اقتصادی دیگری توان مقابله با آن را نداشت.

دیگر منبع قدرت دولت، زمین است. کویت یک شیوه منحصر به فرد در مورد مالکیت زمین دارد، که طبق آن دولت ۹۷ درصد زمین‌ها را در مالکیت خود دارد (از سال ۱۹۵۴). به جز ۳ تا ۱ درصد زمین‌ها که در مالکیت خصوصی قرار دارد، بقیه به مناسبت‌های مختلف از جمله تقسیم اراضی، حفاظت و دیگر موارد تحت کنترل دولت است.

دولت همچنین بیش از ۹۵ درصد نیروی کار کویت را در استخدام خود دارد و به این ترتیب قادر است به طور مستقیم زندگی اکثر شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد.

این منابع گسترده در اختیار دولت به آن موقعیتی برتر می‌بخشد که در هر نوع موازنه قدرت از آن بهره می‌جوید. در واقع، با فقدان

احزاب سیاسی قانونی، دولت تنها نهاد سیاسی رسمی است که از قدرت بالقوه بلامنازع برخوردار است.

۲. دخالت دولت در فرایند انتخابات: دولت نباید اداره انتخابات را به عهده داشته باشد و از هیچ نامزد رسمی از طرف خود طرفداری نماید. در هر حال، واقعیت چیز دیگری است و دولت نامزدهای زیادی را مورد حمایت قرار می‌دهد. طی این سال‌ها، حمایت‌شوندگان از طرف دولت به طور معمول بیش از ۵۰ درصد کرسی‌ها را در کنترل خود داشته‌اند.

آموزش‌هایی به وزرا داده می‌شود تا به تمام خواسته‌های برخی نامزدها عمل گردد. اگر یک عضو پارلمان وفادار به دولت تغییر عقیده داده و تصمیم بگیرد در مورد مسأله‌ای که برای دولت مهم تلقی می‌شود، یک موضع مخالف دولت بگیرد آن حمایت برداشته می‌شود.

تسهیل خدمات - یا آنچه به محلی Wasta<sup>۱</sup> گفته می‌شود - عنصری مهم در مبارزه هر نامزد تلقی می‌شود. این نوع مداخله غیرمستقیم به آن دسته از نامزدهایی که از سوی دولت حمایت می‌شوند، در انتخابات عمومی یک امتیاز رقابتی

۱. Wasta از طریق نادیده گرفتن قوانین و آیین‌نامه‌ها، و پارتی‌بازی در تمام بخش‌های دولت اعمال می‌شود.



آنها به مأموران داده می‌شد، عبارت بودند از: "دموکراسی" و "قانون اساسی".

تنها همین واقعیت که هر پارلمان دیگری منحل خواهد شد، بر درک مردم از دموکراسی تأثیر می‌گذارد و آنها نمی‌دانند که منتظر انتخابات بعدی باشند و با انتظار انحلال دیگری را داشته باشند.

۴. واکنش منطقه‌یی: دموکراسی در کویت با تمام نواقصش، تنها دموکراسی جاری در منطقه طی بیش از ۴۰ سال بوده است. ایران از اصلاحات دموکراتیک بهره‌دیرینه‌تری داشته است، تا این که با کودتای مورد حمایت ایالات متحده علیه دولت ملی‌گرای محمد مصدق در سال ۱۹۵۳ خاتمه یافت. فرایند انتخاباتی که به دنبال انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ آغاز گردید، ایران را مبدل به تنها کشور در منطقه خلیج (فارس) - به علاوه کویت - نمود که برخوردار از یک فرایند انتخاباتی با درجه بالایی از آزادی می‌باشد. حیات پارلمانی در عراق پیش از سرنگونی سلطنت در سال ۱۹۵۸ جاری بود. اما از آن پس وجود نداشتند. در عربستان سعودی مجلس انتصابی "شورا" تنها شکل مشارکت در حکومت می‌باشد. در دیگر کشورهای کوچک‌تر شورای همکاری خلیج (فارس)، اشکال مشارکت در حکومت غالباً - تاکنون - محدود

وگذار می‌کند.

۳. تضعیف فرهنگ سیاسی دموکراتیک: غیبت مکرر پارلمان در جهت عدم استقرار یک فرهنگ دموکراتیک عمیق و ریشه‌دار عمل نموده است. این مسأله حتی برخی وزرای دولت را نیز دچار سردرگمی کرده است. برای نمونه، وقتی که پارلمان در سال ۱۹۸۶ منحل شد، چندین ماده از قانون اساسی معطل ماند و تمام برنامه پنج ساله ۱۹۸۵-۹۰ کنار گذاشته شد.

عدم استمرار تجربه پارلمانی بر خود اعضای پارلمان نیز تأثیر گذاشته است. آنها در هر لحظه در معرض تهدید نظریه انحلال پارلمان هستند که نشانگر عدم حمایت از یک دموکراسی با ثبات است. تعهدات دولت در مورد پایبندی‌اش به دموکراسی و قانون اساسی غالباً غیرقابل اتکاست. درست چند روز قبل از انحلال پارلمان در سال ۱۹۷۶، معاون نخست‌وزیر سخنرانی نمود که در آن از پارلمان به خاطر تلاش زیاد و همکاری با دولت تقدیر به عمل آورد. حال آن که در چند روز بعد، حکم امیر پارلمان را منحل نمود و خلاف آن را نشان داد. طی انحلال ۱۹۸۶، سانسور مطبوعات برای اولین بار انجام گردید. براساس تجربه شخصی نویسندگان، دو کلمه اصلی که دستور سانسور

این فشارهای منطقی، عاملی مهم در حمایت از نیروهای ضددموکراتیک در داخل کویت تلقی شده و می‌شوند. چنین فشاری اقدامات علیه دموکراسی را تشویق و توجیه می‌نماید. هر محدودیتی در مقابل دموکراسی در کویت، انعکاس مثبتی در منطقه پیدا می‌کند.

۵. کم مسؤلیتی نسبت به جامعه مدنی: دموکراسی در کویت در نظر مشارکت‌کنندگان در آن - هم دولت و نیز تا حدی گروه‌های سیاسی - محدود به فرایند انتخابات بوده است. اکثر بحث‌ها و منازعات به جنبه پارلمانی دموکراسی منحصر شده و تأکید بسیار کمتری روی دیگر جنبه‌های اصول دموکراتیک - همچون آزادی اجتماعات و آزادی انجمن‌ها - می‌شود. بحث اصلی بر سر این است که پارلمان مهمترین نهاد است و اگر پارلمانی وجود نداشته باشد، آزادی‌های دیگر عملی نخواهند شد. نتیجه‌ی این بحث شایع شده آن بود که هرگاه پارلمان توقیف شده، کل فرایند سیاسی دچار سگته گردیده است.

#### آن روی سکه: برخی عوامل مثبت

فشارهای خارجی، خواه از جانب دولت‌های غربی و یا از طرف سازمان‌های غیردولتی - همچون سازمان‌های بین‌المللی

است به الگوهایی از مجالس شورای انتصابی و یا نیمه انتخابی، که فاند هر گونه قدرت واقعی هستند. تنها اقدام جدی در سال ۱۹۷۴ در بحرین صورت گرفت؛ در آن جا یک شورای ملی - براساس الگوی کویتی - انتخاب شد که آن هم در یک سال بعد منحل گردید.

ساختار سیاسی منطقه‌ی همواره برای دموکراسی و اصلاحات دموکراتیک‌سازی نامطلوب بوده است. بحث کلی بر سر این بوده که دموکراسی یک مفهوم غربی است و این که مردم خلیج (فارس) آمادگی مشارکت کامل را ندارند؛ بنابراین مناسب‌ترین نظام، دموکراسی سنتی - با مشاوره رودرو و احترام به خاندان حاکم - می‌باشد. کشورهای خلیج (فارس) با بهره‌مندی از ذخایر عظیم نفتی قادر به تأمین بسیاری از نیازهای مادی مردم خود بودند و این تا حدی بود که بسیاری دموکراسی‌ها و یا دولت‌های انقلابی توان تحمل آن را نداشتند؛ این موضوع، تقاضاها برای اصلاحات دموکراتیک در منطقه را کاهش داد. چنین بحثی درباره دولت‌های (حکومت‌های) کویتی نیز مطرح گردید - به ویژه طی دوره‌هایی که پارلمان در حالت تعلیق قرار داشت - تا از آن طریق اقدامات انجام شده توجیه گردند. برخی مقامات دولتی هنوز از همان بحث سود می‌جویند.

نظام سیاسی کویت، مفهوم "حکمرانی مشترک" است که در ابستدا بین خاندان حاکم و خانواده‌های تجار برجسته متداول گشت. با وجود این که اصل مذکور به دلیل افزایش قدرت دولت پس از سیل درآمد‌های نفتی بسیار تحت‌الشعاع قرار گرفت، حتی در حالت ناخودآگاه سیاسی، هنوز دارای نقش می‌باشد. دو مثال در این زمینه روشن‌کننده خواهد بود:

در ژوئن ۱۹۷۰، جابرالاحمد - ولیعهد و نخست‌وزیر وقت و امیر کنونی - در سخنانی ضمن اعتراض به تقلب در انتخابات ژانویه ۱۹۶۷، دستاوردهای ضعیف پارلمان را - در مورد آنچه دولت مسئولیت دارد - مورد انتقاد قرارداد؛ از شهروندان برای شرکت در ساختن کشور خودشان دعوت نمود و به "مردم" راجع به عزم دولت برای تصحیح اشتباهات و جلوگیری از فساد اطمینان خاطر داد. در واقع، وی به فعالان سیاسی - تجار قدیمی - متوسل می‌شد که به دلیل مخالفت با دخالت دولت در انتخابات سال ۱۹۶۷ از شرکت در تشکیلات سیاسی رسمی منصرف شدند. آنها از یک ابزار قدیمی مخالفت استفاده کردند - نگارنده از آن به عنوان "مخالفت به روش کناره‌گیری" نام برده است - که در موارد بسیاری طی این سال‌ها مؤثر واقع شده است. انتخابات ۱۹۷۱ با حداقل

حقوق بشری - تأثیر زیادی در "ادار نمودن" دولت به حرکت در جهت اصلاحات دموکراتیک داشته است. به طور خاص، این موضوع پس از آزادی کویت از اشغال توسط عراق در ۲۶ فوریه ۱۹۹۱ نمود پیدا کرده است.

اگر چه ادعا شده که عناصر خارجی در شکل‌گیری سمت و سوی سیاست کویت نقش اصلی را ایفا می‌کنند، عوامل پویای داخلی حداقل به اندازه یک نقش - و یا حتی در برخی موارد، بیشتر از آن - تأثیرگذارند. چنانچه این عوامل خارجی به تنهایی مؤثر بوده و عوامل پویای داخلی نظام فاقد نقش و تأثیر باشند، بنابراین در کویت - به سبکی مشابه آنچه در منطقه خلیج (فارس) رایج است - باید به یک مجلس شورا بسنده شود. بدون عوامل پویای داخلی مناسب برای ارتقای اصول دموکراتیک، کل فرایند در عرض مدت بسیار کوتاهی تعظیم خواهد شد.

این که دموکراسی در کویت با وجود تمام نواقص مذکور به حیات خود ادامه می‌دهد، گواه قدرت این عوامل پویای داخلی است. آنها به ما پیشنهاد تعمق در این مسأله را می‌کنند که چرا پس از هر انحلال پارلمان، دولت به دموکراسی بازگشت کرده است.

جنبه تاریخی: یکی از اصول راهنمای

خوبی تعریف و نهادینه گردید. این قانون محصول توافقی بین حاکم و نمایندگان منتخب مردم بود. نقاط ضعف متعددی در قانون اساسی وجود دارد، اما در مجموع، تأییدکننده اغلب اصولی است که در بیشتر دموکراسی‌های غربی موجود است - همچون تفکیک قوا، احترام به آزادی فردی، حکومت قانون و مانند اینها. ضعف‌های قانون اساسی به طور عمده در مورد ارتباط بین بخش‌های اجرایی و قانون‌گذاری مطرح می‌شوند که برای بخش اجرایی اهمیت بسیار بیشتری قائل می‌شود.

چندین مورد تلاش برای اصلاح قانون اساسی از سوی دولت با شکست مواجه گردید. قابل توجه‌ترین آنها در سال‌های ۸۱-۱۹۸۰ بود؛ در نتیجه انحلال ۱۹۷۶ در آن زمان هیچ پارلمانی وجود نداشت. در پاسخ به فشارهای داخلی و خارجی، دولت یک کمیته انتصابی به منظور اصلاح قانون اساسی تشکیل داد. گروه‌های مخالف در مبارزه‌ی علیه کمیته و نقش آن با یکدیگر متحد شدند. در نتیجه، کمیته بسیاری از موارد پیش‌نویس دولت را رد کرد. دولت در پاسخ به طور شتابان دعوت به انتخابات جدید نمود. پس از شکست کمیته انتصابی، دولت درصدد برآمد تا قانون اساسی را از طریق تنها روش قانونی - پارلمان - اصلاح

دخالت دولت برگزار گردید و تعدادی از شخصیت‌های مخالف توانستند کرسی‌های مهمی را از آن خود کنند.

دومین مثال به کنفرانس جده در عربستان در اکتبر ۱۹۹۰ - طی اشغال کویت توسط عراق - مربوط می‌شود. کنفرانس، که در تلاشی از سوی دولت (کویت) برای اثبات حقانیت خود به جهان بود، کویتی‌ها از تمام بخش‌های جهان را فراخوانده بود تا در نمایشی از همبستگی شرکت کنند. دولت در تبعید، کنفرانس را به عنوان یک مسابقه تبلیغات سیاسی سازماندهی کرد. لذا از قبل در مورد سخنرانان و محتوای سخنرانی‌ها تصمیم گرفت. با این وجود، یک روز قبل از شروع کنفرانس بحث‌ها بر سر ساختار و اسامی سخنرانان بالا گرفت. بالاخره در نتیجه فشارها، کنفرانس به همراه یک تعهد همگانی به دموکراسی پایان یافت و نه فقط به عنوان یک تمرین تبلیغاتی نمایش همبستگی - آن طور که مدنظر دولت بود. به نظر می‌رسید که دولت درصدد کسب مشروعیت بود و خانواده‌های تاجر و شخصیت‌های مخالف عنصری مهم در این خواسته‌اش به حساب می‌آمدند.

**قانون اساسی ۱۹۶۲:** با تصویب

قانون اساسی ۱۹۶۲، نظام سیاسی کویت به

به رسمیت شناخته نمی‌شوند، گروه‌بندی‌های سیاسی نامزدهای خود را اعلام و کرسی‌هایی را به دست می‌آورند. طی مبارزه برای احیای دموکراسی - که از دسامبر ۱۹۸۹ تا تجاوز عراق به طول انجامید - این گروه‌بندی‌ها به همراه نمایندگان مستقل نقش عمده‌ای را در تحت فشار قرارداد دولت ایفا نموده‌اند.

#### مطبوعات: مطبوعات - به ویژه پنج

روزنامه عربی - نقش مؤثری در هدایت فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دارند. گفته می‌شود که اگر پارلمان یک بال دموکراسی باشد که می‌تواند پرواز کند، مطبوعات بال دیگر آن هستند. قابل تردید است که پارلمان بدون وجود مطبوعات از همان تأثیر برخوردار باشد. مطبوعات دارای مالکیت خصوصی، آزادی بیشتر و یک استقلال نسبی از دولت کسب کرده‌اند. به دلایل بازرگانی و سیاسی، مطبوعات تلاش می‌کنند منعکس‌کننده دامنه گسترده‌یی از نظرات در جامعه باشند. روزنامه‌های موفق و محبوب آنهایی هستند که - از نظر عامه - وفادار به دولت به نظر نمی‌رسند. اخبار پارلمانی بخش عمده‌یی از روزنامه‌ها را تشکیل می‌دهد. جلسات هفتگی پارلمان به طور کامل - در سه تا پنج صفحه - منتشر می‌شود. از این رو، شگفت‌انگیز نخواهد بود که به هنگام تحت فشار بودن پارلمان،

نماید. به منظور اطمینان از حمایت پارلمانی، تحولات عمده‌یی در مرزهای انتخاباتی آغاز گردید که از جمله آنها افزایش تعداد حوزه‌های انتخابیه از ۱۰ حوزه به ۲۵ مورد بود. دولت ویژگی‌های آماری حوزه‌ها را مطالعه و براساس آن مسدوده‌ها را ترسیم نمود. اغلب شخصیت‌های مخالف در انتخابات شکست خوردند. دولت پیش‌نویس اصلاحات خود را به پارلمان تازه انتخاب شده ارائه کرد. این موضوع باعث برانگیختن گروه‌های مخالف به مبارزه‌یی دیگر شد و به قدری مؤثر بود که حتی اغلب اعضای وفادار به دولت در پارلمان از این که در انتخابات بعدی کرسی‌های خود را از دست بدهند، هراسان شدند. با وجود آن که پیش‌نویس اصلاحات در شورهای اولیه تصویب شد، دولت تحت فشار وادار به انصراف از آن گردید. بنابراین قانون اساسی - بدون توجه به ضعف‌هایش - به عنوان یک تریبون سیاسی مهم برای نیروهای طرفدار دموکراسی باقی ماند.

#### ظهور گروه‌بندی‌های سیاسی: کویت

از دهه ۱۹۳۰ پناه‌گاهی برای فعالیت‌های سیاسی بوده است. با تحولات عمده دهه ۱۹۵۰ در جهان عرب، تقریباً تمام گروه‌های سیاسی عرب، در صحنه سیاسی کویت منعکس شده‌اند. با وجود آن که احزاب سیاسی در کویت

مطبوعات به همان میزان و به طور هم‌زمان مورد هدف قرار گیرند.

خواننده مطبوعات امروز کویت در برخورد با میزان بالایی از تساهل و به تبع آن نظرات انتقادی قوی راجع به دولت مبهوت می‌شود. مطبوعات - آن چنان که امروز در کویت است - نقش عمده‌ای را در حمایت از اصول دموکراتیک ایفا می‌کنند.

### ماهیت خشونت کمتر در فرایند

سیاسی: یک ویژگی توسعه سیاسی کویت، میزان پایین خشونت سیاسی - حتی در شرایط بحرانی - است. این عدم تمایل به استفاده از خشونت برای حل اختلافات سیاسی به کاهش تنش کمک نموده و فضای مناسب‌تری را برای گفتگو ایجاد کرده است.

در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ در پاسخ به بمب‌گذاری‌های گروهی از انقلابیون کویتی برای اعتراض به تقلب در انتخابات و دیدار شاه ایران، کسانی بازداشت شدند که مورد عفو امیر قرار گرفتند. بدترین دوره خشونت از سال ۱۹۸۶ تا دقیقاً قبل از تجاوز عراق در اوت ۱۹۹۰ به طول انجامید. تعداد زیادی از شیعه‌های کویتی که - ادعا می‌شد - با ایران همکاری می‌کردند، دستگیر و شکنجه گردیدند. بعداً در همان دوره وقتی که جنبش دموکراسی‌طلبی مبارزه‌اش را

برای احیای دموکراسی شروع کرد و آن را به خیابان‌ها کشاند - که دولت آن را به عنوان توطئه‌ی علیه خود تلقی کرد - چندین بازداشت صورت گرفت، اما فقط برای چند روز و بدون توسل به شکنجه. به نظر می‌رسد فرهنگ کویت فرهنگی غیرخششن است که حداقل خونریزی را برای حل اختلافات سیاسی متحمل می‌شود.

### اختلافات عمومی در خاندان حاکم:

یک ویژگی عمده نظام سیاسی کویت، اختلافات سیاسی صریح بین اعضای خاندان حاکم است. شاید برخی ناظران آن را به عنوان یک نقطه ضعف در نظر بگیرند؛ اما اثبات شده که آن به نفع یک جامعه بازتر و نوع اشتراکی‌تر حکمرانی است. طی انحلال سال ۱۹۷۶ در مورد اقدامات انجام شده و التزام به قانون اساسی نظرات متنوعی وجود داشت. احتمالاً تنها زمانی که اختلاف کمی در میان خاندان حاکم وجود داشت، دوره بین انحلال ۱۹۸۶ و تجاوز عراق در سال ۱۹۹۰ است. از زمان آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱، اختلافات راجع به میزان پای‌بندی به دموکراسی و قانون اساسی و روش اداره کشور، آشکار شده است و این از طریق بیانیه‌های عمومی و کناره‌گیرها از مقام دولتی - که به عنوان اظهار چنین اختلافاتی به کار می‌رفته - صورت گرفته است. این موضوع

آغاز گردیده است؛ هیچ نامزدی نمی‌تواند بدون ملاقات با دیوانیه‌های عمده در حوزه انتخابیه خود به پیروزی دست یابد. مضمون اجتماعی این نهاد، آن را از دخالت دولت مصون می‌نماید، زیرا به عنوان بخشی از اقامت‌گاه در نظر گرفته می‌شود که توسط قانون محافظت می‌گردد. مبارزه دموکراسی‌طلبی که در دسامبر ۱۹۸۹ شروع شد (و خواستار استقرار مجدد پارلمان بود) به نام "دیوانیه‌های دوشنبه" شناخته شد، چرا که جنبش دموکراسی‌طلبی دیوانیه‌ها را به عنوان محل‌هایی برای تظاهرات عمومی خود به منظور درخواست احیای دموکراسی انتخاب کردند.

اگر چه دولت در تلاش برای مهار جنبش، به شدت با دیوانیه‌ها برخورد کرد و برخی از آنها را تعطیل نمود، جنبش تا قبل از آن از طریق استفاده از آنچه به عنوان یک مکان اجتماعی معتدل برای تجمع تلقی می‌کرد، به اهداف خود دست یافته بود.

**اصالت فرایند انتخاباتی:** رویه انتخابات در کویت به انتخابات پارلمانی محدود نمی‌شود. انتخابات در سر تا سر اماکن در کویت برگزار می‌شود، خواه در انجمن‌های دانشجویی،

۱. نوعی اماکن عمومی، که در آن جلسات مردمی برگزار می‌شود.

زمانی به اوج تاریخی خود رسید که - در ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۲ - ۱۷ تن از اعضای جزء در خاندان حاکم طوماری را خطاب به امیر امضا کردند که در آن تقاضای اصلاحات سیاسی و التزام آشکار به قانون اساسی شده بود. در تابستان ۱۹۹۳، رهبری این گروه طومار را عمومی ساخت و با ملاقات گروه‌های سیاسی و توضیح مواضع و نگرانی‌های خود پا را از آن فراتر گذاشت. شخصیت اصلی پشتیبان طومار در ماه مه ۱۹۹۹ شروع به انتشار یک مجله هفتگی با نظرات بسیار انتقادی راجع به دولت نمود. تجربه گذشته نشان می‌دهد که اختلافات بین اعضای خاندان حاکم در ارتقای فرایندهای دموکراتیک مفید واقع شده است.

### دیوانیه<sup>۱</sup> به عنوان یک نهاد اجتماعی

- سیاسی:

دیوانیه‌ها نهادهایی اجتماعی تلقی می‌شوند. در عین حال، نقش سیاسی آنها بسیار فراتر از کارکرد اجتماعی است که ظاهراً فقط به آن منظور طراحی شده‌اند. هزاران دیوانیه در کویت وجود دارد. تقریباً تمام انتخابات و اجتماعات سیاسی مهم قبل از دهه ۱۹۵۰ در این نهادها برگزار می‌شد، که باعث جلوداری آنها در فرایند سیاسی بود. دیوانیه مکانی بوده است که مبارزات انتخاباتی دوران پس از استقلال از آنجا

شرکت‌های تعاونی، انجمن‌های امور خیریه، اتاق بازرگانی، باشگاه‌های ورزشی، گروه‌ها و اتحادیه‌های تجاری و یا شورای شهر. همان‌طور که قبلاً بیان شد، حتی قبایل کویتی انتخابات اولیه قبیله‌یی را به منظور انتخاب نامزدهای قبیله‌یی جهت انتخابات عمومی سازماندهی می‌کردند که در سال ۱۹۹۹ به صورت یک مسأله درآمد. به ندرت روزی می‌گذرد که خبری راجع به نوعی از انتخابات نباشد. آشنایی مردم با انواع مختلف انتخابات، آنها را با اهمیت انتخابات آشنا نموده و به آنها در مورد فرایند سیاسی آموزش داده است.

### نتیجه‌گیری:

ریشه‌های مشارکت سیاسی در کویت، به زمان استقرار آن به عنوان یک جامعه در بیش از دو قرن گذشته بر می‌گردد. توافق اصلی میان خانواده‌های مهاجر، داشتن حاکمی بود که در مورد مسائل مهم با مردم مشورت کند و این در صورتی است که مردم از وی حمایت مالی نمایند. این شیوه با امکان استقلال مالی حاکم در پی اکتشاف نفت و علاقه بسیاری که از طرف ابرقدرت‌های خارجی نشان داده شد، تضعیف گردید. پس از استقلال در سال ۱۹۶۱ جامعه از شکل سنتی حکمرانی اشتراکی به صورت یک

فرایند دموکراتیک نهادینه شده‌تر دگرگون شد. عوامل بسیاری به این دگرگونی کمک کردند. از نظر داخلی، جامعه بازرگانی فعال و آزاد (از نظر سیاسی) توانست رابطه صمیمی با یک حاکم خیراندیش قبل از به قدرت رسیدن او ایجاد کند. این از خوش اقبالی کشور بود که وی (عبدالله السالم) برای ۱۵ سال حکمرانی کرد - اولین سال‌های بحرانی شروع دوره نفت. علاوه بر آن، فعالیت‌های گروه‌بندی‌های سیاسی جوان‌تر و دارائی‌های روزافزون کشور، به دست‌یابی به این دگرگونی کمک کرد. از نظر خارجی، تحولات در صحنه بین‌المللی - به ویژه تصمیم بریتانیا برای خروج از منطقه خلیج (فارس) - عوامل مهمی بودند. ظهور قدرت‌های منطقه‌یی و رقابت آنها برای برتری در منطقه، مجالی به کشورهای مستقل کوچک داد تا مانور نموده و نظام سیاسی خودشان را انتخاب کنند.

با فوت امیر در سال ۱۹۶۵ و در پی آن تغییر در موازنه قدرت به نفع دولت، که با کاهش شدید نفوذ بازرگانان و گروه‌های سیاسی همراه بود، فرایند سیاسی تبدیل به اولین قربانی شد. این موضوع با انحلال‌های غیرقانونی پارلمان در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۶ اثبات گردید. اما تحولات اجتماعی - از طریق آموزش همگانی و فرصت‌های اقتصادی - درها را برای نیروهای



ضعف‌های ساختاری و سیاسی در نظام سیاسی کویت هنوز هم باعث تأخیر در گسترش دموکراسی می‌شوند و حتی شاید سبب شکست آن گردند که در این صورت احتمالاً نتیجه، یک بحران عمده سیاسی در آینده خواهد بود.

ترجمه و تلخیص: حسین انتظاری  
مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه  
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

اجتماعی - سیاسی جدید گشود تا فرایند را در جهت یک جامعه آزادتر تغییر دهند. این وضعیت با تأسیس جنبش طرفدار دموکراسی در سال ۱۹۸۹ به اوج خود رسید و با کشیده شدن به خیابان‌ها، خواستار احیای قانون مشروطه شد. تحول در نظام بین‌المللی ناشی از پایان جنگ سرد و جنبش به سوی جوامعی آزادتر به وضعیت مذکور کمک کرد. تجاوز عراق در اوت ۱۹۹۰ و آزادسازی کویت توسط یک ائتلاف بین‌المللی، برهه‌یی تعیین‌کننده برای احیای دموکراسی در کشور تلقی می‌گردد. در هر حال





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی